



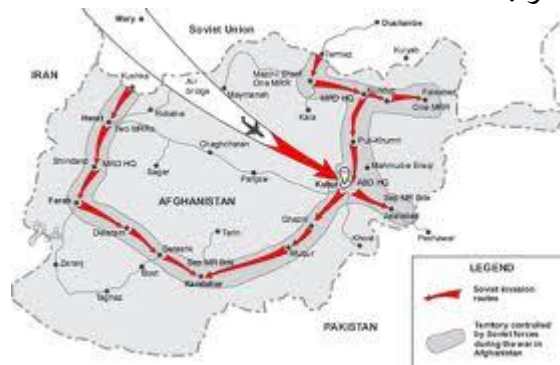
په اروپا کی دمیشته افغانانو د تولنو فدراسیون
فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

اعلامیه

شش جدی، طوق لعنتی که محیلانه به جنگ سرد حواله میگردد!

سی و دو سال از روز سیاه شش جدی، روز اشغال افغانستان توسط روسیه شوروی میگذرد. هنوز میلیون ها شاهد عینی این فاجعه تنها در خود افغانستان موجود است. ولی مسوولین این فاجعه میکوشند با مسخ نمودن تاریخ، خود را با شیوه حیلانه گرانه که از دوران حاکمیت به آن معتاد شده اند، از زیر بار مسوولیت برهانند. عمال داخلی روسیه شوروی آن زمان که با وصف اتحاد در چوکات حزب دیموکراتیک خلق افغانستان به گروه های مختلف تقسیم شده بودند، هرکدام با انتظارات زیاد برای گروپ مربوطه خویش خواستار اشغال هرچه سریعتر افغانستان از طرف روسها بودند. شکست مفتضحانه روسیه شوروی در افغانستان و سقوط قابل انتظار رژیم که از هر لحاظ وابسته به "کمکهای برادرانه اتحاد شوروی" بود، نابخردانه بودن و تبهکارانه بودن کودتای شوم هفت ثور "مرحله تکاملی" آن یعنی شش جدی را به یک واقعیت غیر قابل انکار تبدیل نمود.



قسمت قابل ملاحظه قوای متجاوز قبل از ۶ جدی از طریق فضا وارد گردیدند!

کتابهای منتشر شده توسط جنرالهای اردوی شوروی که متکی بر چشم دید شخصی نویسنده و اسناد دولتی آن زمانست، حاکی از آنند که رژیم تره کی- امین بیش از ۱۷ بار خواستار "ارسال قوای نظامی کمکی برای سرکوب اغتشاشگران" شده بودند رهبران پرچم (کارمل، نجیب، اناهیتا راتبازاد، محمود بریالی...) که بعد از دزدی دارائی سفارتخانه های ما از مسکو خواهان پناه در برابر "امین جلاد" شده بودند، در محافل احزاب کمونیست شوروی بکمک رهبران ک.ج.ب حضور میداشتند و برای "دست بکار شدن قوای نظامی انترناسیونالیستی برای جلوگیری از سقوط افغانستان در دست امپریالیستها" و در واقع برای اشغال لابی سیاسی میکردند. اینها توسط ک.ج.ب برای نقش احتمالی آینده شان تعلیمات میدیدند. بطور مثال داکتر نجیب برای تشکیل شعبه ک.ج.ب (خاد) در افغانستان آماده ساخته میشد. رهبران روس تا زمان زیادی هنوز امیدوار بودند که خلقی ها را براریکه قدرت نگهداشته و روزی رهبران پرچم را وادار به اتحاد با آنها نمایند. ولی با دیدن اینکه کله شخی امین در ارتباط با قتل تره کی انزوای روز افزون گروپ امین در میان خلقیها را بار آورد. و دامنه قیام مردمی به قطعات اردو در پایتخت (قیام ضد روسی بالاحصار) کشید، دیکتاتورهای تکیه زده بر تخت کرملین متوجه خطر شکست واقعی پروژه شان در افغانستان شدند. تصمیم لشکرکشی برای نجات پروژه افغانستان توسط بیرونی سیاسی حزب کمونیست شوروی بشکل محرمانه آغاز شد. کشتن امین برای روسها یک انگیزه فرعی بود. رهبران روس امین را بحیث مانع وحدت مجدد ج.د.خ.ا یک عنصر مخمل برای مهاساختن سریع اختلافات ج.د.خ.ا. دانسته مصمم شدند در جریان عملیات اشغال ویرا نیز نابود سازند. ولی روسها از طریق مشاورین نزدیک به امین به او چنین فهماندند که برای دفاع از رژیمش "قوای محدود نظامی" خود را به افغانستان میفرستند. بهمین جهت ورود قوای اشغالی از طریق فضا یک هفته قبل از شش جدی به اجازه و حمایت امین آغاز یافت. آنچه امین و حتی بسیاری از

دپانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاین تاسو په درنښت همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادښت: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لوی

قوماندانهای قطعات لشکر متجاوز از آن اطلاع نداشتند، پلان برچیدن گروپ امین و نصب ببرک کرمل به اریکه قدرت توسط قطعات متعلق به ک.گ.ب. بود.

اکنون جناح های مختلف ح.د.خ.ا میکوشند از پزیرش شریک بودن شان در مسولیت اشغال افغانستان شانه خال کنند. امینی ها طوق لعنت شش جدی را به گردن پرچمپها حواله میکنند. پرچمپها که در دوره ده ساله اشغال به جاه و جلال و امتیازات رسیدند ورهیران شان بتاریخ شش جدی با طیارات نظامی قوای اشغالگر به بگرام انتقال داده شدند، چاره جز این ندیده اند که طوق لعنت شش جدی و همه گناهان دیگر خود را به گردن " جنگ سرد" بیاندازند. این بهانه احمقانه تر از استقبال ایست که پرچمپها در ۲۷ دسمبر ۱۹۷۹ با افشاندن هزاران دسته گل بر تانکهای قوای اشغالگر در شهر کابل کردند. اگر لحظه، غرض تازه ساختن حافظه مسولین شش جدی، اصطلاحات دوران حاکمیت ح.د.خ.ا را استفاد کنیم، گفته میتوانیم که جنگ سرد در میان دوکمپ یعنی کمپ "سوسیالیسم" و کمپ امپریالیسم وجود داشت. افغانستان قبل از هفت ثور یکی از بنیانگزاران گروه عدم انسلاک بوده با حفظ بیطرفی خود را از درگیر شدن در جنگ سرد مصون نگهداشته بود. حزب د.خ.ا. که توسط سفارت روسیه بحیث نیروی ذخیره "کمپ سوسیالیسم" در افغانستان ایجاد شد بلاخره با اجرای کودتای ننگین هفت ثور عملاً به این به بیطرفی عنعنوی افغانستان خاتمه داد. سیاه روزشش جدی افغانستان رابه میدان اصلی جنگ سرد مبدل ساخت. جنگی که ادامه آن در اشکال دیگر و توسط بازیگران دیگر مغز استخوان مردم ما را تا امروز میسوزاند. بنا برین طوق لعنت شش جدی را تاریخ به گردن ح.د.خ.ا و ح.ک.ش. انداخته است. این حقیقت را نمیتوان با تئوری بافی های مبهم و میتدل زیرچتر جنگ سرد پنهان نمود. عکس العمل مردم افغانستان قیام سرتاسری در برابر اشغالگران و نوکرانشان بود. اینکه "کمپ امپریالیسم" بتوانست به کمک پاکستان مقاومت ملی را به کجراه اخوانیت بکشاند مسأله جدا از سوال مسولیت اشغال است.

ناگفته نباید گذاشت که مسولین این فاجعه با بیشر می غیرقابل تصور تلاش دارند به صحنه سیاست فعال افغانستان برگردند. امینی ها تحت رهبری عبدالرشید جلیلی حزب جدیدی بنام "دملی سولی او یووالی سازمان" ساخته اند. کارملی ها و بخش زیادی از طرفداران نجیب الله تحت رهبری بزرگرو علومی "حزب واحد ملی" را ایجاد کرده اند. این دو حزب میخواهند با انکار جویهای خون که طی ۱۴ سال حاکمیت ننگین خود در افغانستان براه انداخته اند، با استفاده از چتر حمایت قوای خارجی و نفوذ وسیع در دستگاه های امنیتی کرزی باز هم به یک وزنه سیاسی مبدل شوند. درگیر و دارآمدگی فرصت طلبان گوناگون برای انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۴ "حزب واحد" مثل سال ۱۹۹۲ و ۲۰۰۲ جای مناسب خود را در آغوش قوای نظر پیدا کرده و به جبهه "ملی" تحت رهبری عبدالله عبدالله یعنی جبهه مسولین بدبختیهای ۳۳ سال اخیر افغانستان پیوسته است. ببینیم طرفداران امین وتره کی باز هم درسایه حزب اسلامی حرکت میکنند یا خیر؟

کمیته حقوق بشر فارو